

«نفس» نور است یا وجود؟

بررسی تفسیر وجودی ملاصدرا از دیدگاه شیخ اشراق

درباره نور بودن نفس

علی بابایی*، دانشجوی دکتری فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی
قاسم پورحسن درزی، دانشیار فلسفه و حکمت اسلامی، دانشگاه علامه طباطبایی

چکیده

ملاصدرا در آثار خود، بویژه در تعلیقات بر شرح حکمة الاشراق، از آراء شیخ اشراق درباره نور خوانشهایی ارائه میدهد که همسو با آموزه‌های مکتب فکری خود وی، یعنی متکی بر مباحث وجودی است. از مهمترین این خوانشها، تفسیر نور بودن نفس یا «من» به «وجود» است. نظرات ملاصدرا در این نوع خوانشها، که بر تفسیر نوریت نفس به وجود هم اثر میگذارد، بر یکسان‌انگاری نور و وجود استوار است، حال آنکه با توجه به آموزه‌های مکتب اشراق نمیتوان نور، بمعنای مورد نظر شیخ اشراق را با وجود یکی دانست.

در این مقاله، نخست مشروح مباحث شیخ اشراق و خوانشهای وجودی ملاصدرا در مبحث نوریت نفس، تقریر و آنگاه در دو مرحله خوانشهای ملاصدرا بررسی و نقد میشود؛ اول با بررسی و نقد نظریه یکسان‌انگاری نور و وجود و دوم بررسی و نقد مضمون خوانشهای وجودی.

علاوه بر مبنامحوری، دلیل تفاوت تعبیر شیخ اشراق و ملاصدرا از نفس اینست که شروع فلسفه از نفس، ویژگی منحصر بفرد مکتب اشراق است حال آنکه نفس‌شناسی نزد ملاصدرا جزو مباحث حکمت بشمار می‌آید. با شروع از نفس، اصطلاح نور شکل میگیرد.

حال آنکه در مبنای ملاصدرا اصطلاح وجود از قبل سامان یافته و نفس به آن متصف و تفسیر میشود.

کلیدواژگان

نفس نور
شیخ اشراق
ملاصدرا

مقدمه

مبحث ارتباط بین نور و وجود از مباحث اساسی و سرنوشت‌ساز در بررسیهای تطبیقی بین دو مکتب اشراق و متعالیه است. یکی از مباحث مهمی که از سرنوشت نسبت نور و وجود اثر میگیرد، مبحث نفس و نسبت آن با نور یا وجود است. در مکتب شیخ اشراق نفس اهمیتی بسیار کلیدیتر از هر مکتب دیگری پیدا میکند چرا که بدالت شواهد مختلف، نفس نقطه آغاز فلسفه اشراقی است و بتصریح مؤسس حکمت اشراق، کلید فهم این مکتب است.^۱

(نویسنده مسئول) Email:hekmat1468@yahoo.com*

تاریخ دریافت: ۹۴/۶/۹ تاریخ تأیید: ۹۴/۸/۱۲
این مقاله از رساله دکتری رشته فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علامه طباطبایی استخراج شده است.
۱. سهروردی، مجموعه مصنفات، ج ۱، ص ۴۸۴.